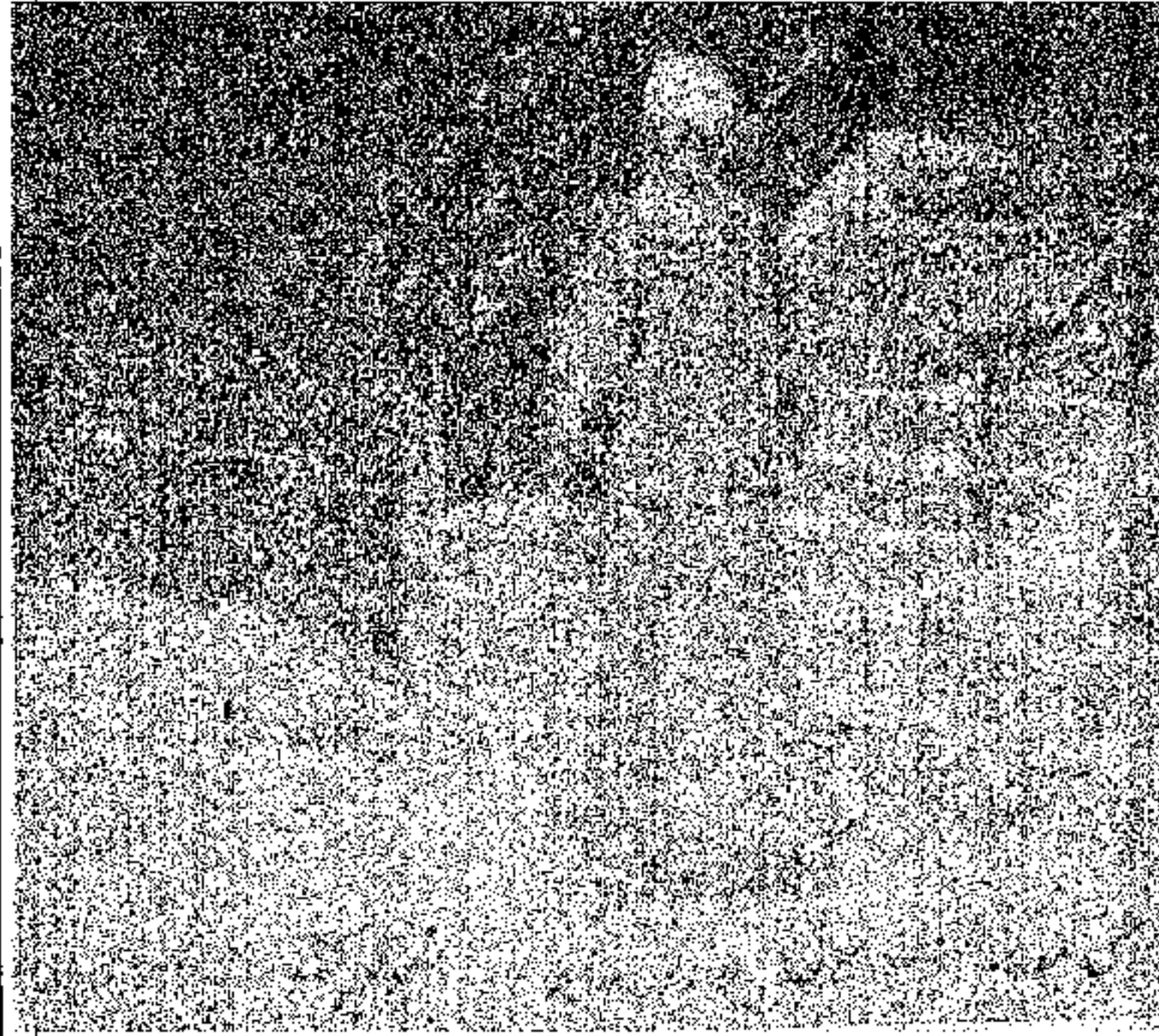


چنانچه مستر کسوی شی و خرام یا پیمان را در آن بوستان خوب پرشته نغم در آورده جمعی از دوستان هم در حضور مبارک از نور محشر شرف که ذکر مستر برکت است هندی شد فرمودند این شخص تعالیم امرتیرا از کتب بهائیان گرفته با اسم اسلام نشر میدهد بطبع اینکه بیت و همی بنا کنند و از طرف مسلمین فوائدی عاٹد او شود ولی آنسر هر خسران مبین نتیجه نماند نخواهد یافت آهی در مجمع آن شب عنوان نطق مبارک این بود که انسان دو جنبه دارد و حصول کمالات و مراتب انسانی معلق بقلبه جنبه روحانی بر جنبه حیوانیت است

روز ۲۴ رجب (۹ جولای) وقتی جمعی از دوستان در محفل تقاضا شرف بودند ورقه‌ای از طرف حضرت ابوالفضائل در دست مبارک بود پسندگان استان عنایت فرمودند که برید بنویسد خیلی با مزه است چون خوانده شد شرحی در خصوص اعتراضات سید عبدالله نامی بود از آنجا که بیش از اوصاف اجاب آن اعتراضات دلیل بر عظمت مرکز بشاقت است و عین عبارات آن معترض در ورقه حضرت ابوالفضائل مرقوم بود و با آنکه سید مذکور را ظاهراً میل بدیانت مسیحی نموده و بجهت رفته در عبارتش از سایر ملل حتی موسس و یهود بجهت مخالفت بهائیان استمداد حبه و آن رساله را در مطبعه انگلیزیه بولاق مصر در ماه نیسان ۱۲۹۱ طبع نموده و سبب علاء این امر مبارک را در آن رساله کمالات و فضائل غالبه محیطه مرکز عهد و پیمان نوشته و از جمله عبارات است و نیست فی فصل الثانی و اذا تا طنا با دارته و اداره و الهده نری یونا عظیماً بینها فکان الاساس الادی وضعه بهاء الله لم یرفع الی فوق الارض الا قليلاً حتی لا تکاد تراہ الا عین من الخارج و اما ما بناه



Abdul Baha, outside his residence near River Side in New York.

عباس علیه من مدّة وفاة والده التي لا تتجاوز عقدين قد تری من ابعاد شاسعه کمقاطعات
 امریکا و ارضی قفقاسیا و روسیا و بریطانیا و سواحل الهند و دغلیتها و اجتذب الملايين
 من اديان و طوائف و لغات مختلفه کاسلام و مسیحین و وثنيين و بودا و برهمن (و فی فصل الخامس)
 مع ذکر مفرد و دلائل مدیش و غنائم تام و تعقیب مجرب ممکن عباس افندی عن جذب اکثرین
 من الطوائف و لغات مختلفه حتی فی هذا الشهر و روت علیه من امریکات من اکتب يدعو
 المؤمنون به الی شیعہ ہمیشا بدت مع لفظی جنبه لینهقها فی لهنر فاجاب علیهم کما وعدهم فی السنة
 الماضيه و لکنه رد لفظی جنبه شاکرا لهم و معتذرا انه لیس له عادة ان یقبل مثل ذاک نظر اثره
 العظیمه کما حدثنی بذاک احد شیعه و ذکرتها بعض ابرامد مصریه فانظر الی هذا التعفف لموجب
 ایل و الحجة کما قال جدنا صاحب الشریعه الاسلامیه از بدبانی ایدی التاسیس سبک التاس
 وقت نامار سر میز با قسم این ورقه را در دست مبارک گرفته میخوانند عرض شد بنقل
 قرآن منکرین دوره قبل به پیغمبر خدا انک لمجنون می گفتند ولی حال بنقل معترضین ذکر مفرد
 و دلائل مدیش و غنائم تام و تعقیب مجرب و ممکن عظیم مرکز عهد الله سبب جلب قلوب گفته میشود
 و استیاز و رجحان امر در زین ظهور مبارک حتی بقول مخالفین ثابت است از روز ذکر خدمات
 حضرت ابو الفضائل در ساحت نور مذکور آمد روز ۲۵ رجب (۱۰ جولای) شرف نفوس از
 بر قبیل پی در پی بیشتر از هر روز بود و سان مبارک دی ذکر اختلافات مذاهب سیمیه میفرمود
 گاهی در مراتب توحید بسط سخن میدادند و قتی ظلمت نمودت مآذین و استیاج عالم بقوه
 الیه بر این قاطعه ثابت می نمودند و گهی از بلایای طلعت قدم و اعم علم و غلبه امر الله بر جمیع قواء

عالم حکایت می کردند و ساعتی از احتجابات امم در احیان ظهور منظار بر فیض قدم بیان می فرمودند و از جمله مطالبی که اجاب سوال کردند معنی الواح زبرجدی در کلمات مکنونه بود فرمودند مراد بومی از الواح مبارکست و کنایه از اینست که الواح الهیه را باید بر سنگهای گرانیه نقش نمود اما اصطلاحات شرق است که لون بصری را به شیت و حرار اقبضا و شهادت و خضرا را بمقام تقدیر و صفر را باجرای امور تعبیر مینمایند انتهی انروز باران و هوای نیویورک پند آیام برسات هند بود ولی شب گرا تخفیف یافت و باران ایستاد جمعیت زیادی از بیگانه و آشنا مشرف و نطق مبارک در خصوص نزول باران رحمت و فیض الهی بود و عدم جواز تعطیل در فیض فیاض حقیقی در همان روز ذکر مترو مس کلاک بحضور مبارک مذکور که عزم شرف دارند و با اجازه مبارک میخواهند عازم ایران و تبریز شوند اول جناب میرزا ابوالحسن خان و رقا فرمودند که بنویس صبر کنند ولی چون با اشتیاق و عجله بنویورک آمدند و اصرار در صدور اجازه نمودند که از تبریز هم مارا خواسته اند لهذا اذن روانگی آنها بایران عنایت شد روز ۲۴ رجب در ایولای پس از اوداد و اذکار جمال نور بنوارش ابرار و خیابان مشغول و اظهار عنایت فوق العاده بس گودال و مس کوپرو سایر دوستان کلیفورنیا می فرمودند و بشارت نمایند و نصرت میدادند و با وجودند آیه بانفوس بصدر جواب عرائض جنابیز اشتغال داشتند و از نفوس محرمه شکر که تشرف حاصل نمودند دکتور گردن کشیش کلیسای اسنشن و دکتور آیوز کشیش کلیسای اخوت نیوجرسی بودند که اکثر اوقات خاضعا خاشعا بنوز لقا فائز می شدند عصری مجمع اجناس منزل مس جولیت تامسن بود و بیانات

مبارک که تاکید در کثرت انعقاد محافل و بهانی نوزده روز که همیگر را وعده خواهی کشید بمنزل
 یکدیگر برود تا سبب از ویادالفت و سترت شود پس از بیانات مؤکده و صرف شربت
 و شیرینی حرکت فرمودند شب در مجمع بیت مبارک نطقی در خصوص مدارج و مراتب خلقت
 و بلوغ عالم و عصر جمال قدم فرمودند و مجلس طول کشید تا سر نیز شریف فرما شدند و جمعی
 از اجنای امریکارا برای صرف شام حضار فرمودند آن وقت سؤال خانمی بحضور مبارک
 عرض شد که گفته بود تا حال از جانب خدا از فی مبعوث نشده همه منظر الهیه رجال
 بوده اند فرمودند هر چند آباء رجال در استعداد و قوا اشکر کنید ولی شبه نیست
 که رجال آید مند و اتوی حتی در حیوانات مانند کبوتران و گنجشکان و طاووسان و امثال
 آنان هم این امتیاز مشهود است روز ۲۷ رجب (۱۲ جولای) چون از صبح تا ظهر
 بعد و رالواح و شرف اصحاب و گفتگوی با اجباب با وجود گرمی هوا مشغول بودند و بیکل اظهر
 خسته عرض شد تمام در منزل مبارک موجود در روز تمام شریف پروردند فرمودند
 "مانند شکر و سر بازیم نباید عادت و عتسنا چیزی داشته باشیم وقت دیگر ان حضور
 مبارک پرسیدند که اینیه امریکا چگونه بنظر مبارک آمد فرمودند "اینیه عالییه و مواقع نهمه
 ندیده ام من همیشه مایل مشاهده اینیه محبت الله در ممالک قلوب هم رغبت بسیر دیگر
 ندارم" وقت عصر در مجلس از خصائص تعالیم الهیه در این ظهور عظم بیان می فرمودند
 من جمله خند بعد متین کتاب بود و بسا ابواب اختلافات شدید که در قرون
 ماضیه در او اطل امر واقع و معاشرت با ادیان و متبع لعن و طعن حسراب و امر بمغفرت

دشمنان و وحدت عالم انسانی و اخوت عمومی و اخذ و اعطاء ملاز و واج با هر قتی و امر با جبا
 تعلیم اولاد از ذکر و انانیت و تساوی حقوق نساء و رجال و تأسیس بیت عدل اعظم
 و مرجع بودن آن و ترک تعصبات مذهبی و وطنی و جنسی و سیاسی از این قبیل بیانات
 مبارکه مشروح و مفصل بود و شب در بر و کلین وجود اقدس موعود و ملازمین حضور نیز در
 رکاب مبارک بودند درین راه ذکر کثرت جمعیت و اشتغال الهی نیویورک می فرمودند
 که این شهر و اطرافش نصف ایران جمعیت دارد اگر ایران چنین جمعیت و ثروتی میداشت
 و رو بترقی میگذاشت از هر جهت نسبتی باین مملکت نداشت از حیث اخلاق و محبت و مهمان
 نوازی و ذکاوت و فراست اهل ایران چه نسبتی دارند بعد ذکر انایم اقامت جمال مبارک
 در اسلامبول و جلال و استغنائی طلعت قیوم و شهادت میرزا حسین خان می فرمودند
 که در طهران گفت فقط به ساء الله شخصی بودند که در خارج سبب فخر ایران و سرفرازی ایرانیان
 گردیدند و در اسلامبول با حدی عمتنا نمودند مختصر متجاوز از یک ساعت کاسکه مبارک
 در سیر و حرکت بود تا بمنزل مس نیوتن موس ریور رسید بعد از رفع خستگی سر نیز شام
 شریف فرما شدند پس از صرف طعام و اظهار عنایت بهمانداران و لطفی مختصر در مجمع ایران
 مراجعت نمودند و بین راه شرحی در تفاوت افق ممالک شرق و غرب می فرمودند
 که حلالا اینجا تقریباً نصف شب است ولی در ممالک شرق ظهر و بعض جاها بعد از ظهر است
 الهی اینجا حال در صد خواب و استراحتند و در شرق سرگرم کار و زحمت شب
 با آنکه کاسکه مبارک در حرکت و توجع هواسب تخفیف گرام بود باز دوری راه و شدت گداز

بوجود اظهر صدره زد تا نهر بن نیویورک و بروکلین را طی نمودند و طول شهر را که از کثرت
 چراغهای گاز و برق و اعلانات سرخ و سبز و زرد و صورتها و اشکال تخت که بر در دیوار هر کوچه
 و بازار مزین بود و دلالت بر عظمت این قسطنطنیه عظمی می نمود عبور کرده مرکب مبارک بمنزل
 رسید روز ۲۸ رجب (۱۳ جولای) روز فیروزی بود و طلعت عبدالباقی
 در کلیسای یونانی نیویورک موعود از چند روز پیش شش شش اعلان تشریف فرمائے مبارک
 را بان کینه در روزنامه مانوده و در بیرون کلیسا نیز در مواقع عدیده اعلان زده بود که پیغمبر
 جلیل ایرانی روز ۱۳ جولای ساعت یازده در این کلیسا نطق خواهد نمود چون کلیسای عظیمی بود
 از دحام غربی شد محض نزول قدم مبارک شش استقبال نموده و چون مبارک با و طاق
 کلیسا برود چون شروع شد بکلیسا تشریف فرما شدند پس از ادای سهرودین
 شرحی در تاریخ امر الله تا سجن عکا و محامد و معرانی طلعت عبدالباقی بیان کرد بعد قامت در برابر
 قیام نمود و نطقی مفصل و شروح در وحدت عالم انسانی و حصول ادیان الهی ادا نمود
 که کل ربصیرتی تازه بخشید و انجذاب و شورعی عظیم در دلها انداخت و آخر بالحنی بیخ و
 بدیع لسان بمناجات گشودند و جانهارا در شنا و تبتل بملکوت الهی بی صبر و تشرار نمودند
 بقسمی که بعد از ختام نظر بگرا و کثرت جمعیت باشند سایر مجامع ملاقات و تشریف یک
 یک را خواستند و با و طاق کینه تشریف بردند ولی بآرکشیش عرض کرد جمعیت کلیسا
 منتظرند که از حضور مبارک بگذرند دست بدهند و اظهار خلوص نمایند لابد باز نزدیک
 سکوی محراب تشریف برده جمعیت از یکطرف میآمدند و با خضوع و انکسار تمام از طرف

دیگر مخص میشدند و نفوسیکه از پیش مطلع بودند نام نشان منزل مبارک را اینوشته
 که بعد مشرف شوند در مراجعت از کلیسا مرکب مبارک چون در خیابانهای وسیع شهر تاخت
 و تازی نمودند عالمی داشت که از شهان باج می گرفت و فقیران را تحت و تاج میداد
 عصر از روز بیاناتی مفصل در تعدیل احوال معیشت و دفع بعضی از توهمات اشتراکین
 می فرمودند و شب با نگل و و در شریف بردند اول در منزل ستر و طهلم جمعی مبتدی
 پس از استماع تعالیم الهیه عرض نمودند که ما با سالهاست در آرزو و فکر اینگونه تعالیم
 بوده ایم و بعد شام را در منزل ستر بر جو ایل فرمودند (روز ۲۹ رجب ۱۳ جولای)
 صبح بنیویورک مراجعت فرمودند و یکسرخانه مس سگر بیدین مادرش تشریف بردند
 که بواسطه علت پاجرا فاده آرزوی شرف می نمود و خیال آن داشت که بخوی خود
 را بحضور مبارک برساند چون بسبع الطهر رسید فرمودند من باید بیدین بروم از نو
 ان علیل از شرف بقا چنان واله و شیدا شد که ثمره عمر خود یافت و حیات تازه
 جست چون بمنزل مبارک مراجعت فرمودند تا وقت نماز نفوسیکه مشرف می شدند
 زیادتر مبتدی بودند و عصر جمعی از خانهای متشخصه در منزل مس کردک مشرف شدند
 پس از نطقی در تربیت و آداب عالم نسوان و سوال و جواب چند مراجعت نمودند و در
 منزل مبارک آنشب خطابه ای دادند فرمودند در خصوص دفعه مادیتون و آهسون و
 لیقیت قوه الهیه که در نفوس بشریه در هر عصری چه تأثیراتی ظاهر نموده و پس از مجلس باز
 مبتدیها حاضر شدند طوی کشید تا مخص گردیدند و وجود مبارک با حالت ضعف

خوشگلی شام میل نفس موده استراحت نمودند روز اول شعبان^{۱۳۲۰} (۱۵ جولای) سواد
 خطاب مبارکه در کلیسای متسیس فیلاولقیاد در دست مبارک بود می فرمودند "من مطالب
 سائلی بیان می کنم که همدی انکار و اعتراض نتواند تم بین اهل دانش و علم باشد،"
 بعد پائین تشریف برده جمعی که منتظر تشریف بودند بغیض تقار رسیدند بعضی اجابای کلمفورنیا
 بودند و بیانات مؤکده شے با نهامی فرمودند که جمیع امور باید با اجازه و مضای من
 باشد تا در اتحاد و الفت اخبار خدائی حاصل نشود عصر و شب در منزل سترکنات در
 بروکلین محفل پر روح و ریحانی بود اعظم موهبت و تائید در آن مجلس عظیم ظهور الفت
 و اتحاد اجابا و وحدت و یگانگی انهادر غسل لواء میثاق الله بود و طلعت عهد بی نهایت
 مسرور و عموم اجباب در ولوله و شور بودند در آن بزم جانفزا دلبر عبودیت عظمی که نطق
 فرمودند چون شرحی از مسائل الهیه بیان می فرمودند بیرون خانه تشریف می بردند
 قدری مثنوی فرموده باز مراجعت و شروع نطق و بیان می نمودند وقتی در شوق بر خدات
 و می ببط معانی علام و بروز بنیات گهی اظهار مست و ابراز عنایت از مشاهده اجتماع
 و اتحاد اجبازیر از طول اقامت مبارک در نیویورک تأثیرات عظیمه ظاهر و لغت و اتحاد
 اجبا کامل گشت روز ۲ شعبان (۱۵ جولای) از بروکلین نیویورک مراجعت فرمودند
 در حالتیکه جمعی در خانه مبارک حاضر و قدم مبارک را منتظر بودند روی انور چون
 شمع در آنجای بر افروخت و پرده اوام بسوخت خانمی محترمه که دکتور بود سوال نمود که سبب
 این آفات و بلیات در عالم خلقت چیست؟ فرمودند "دو قسم آفات یکی را

سبب اعمال و اخلاق غیر ممد و مد است مانند کذب و نفاق و خیانت و ظلم و امثال اینها
 بسته عمل بد نتیجه سوء دارد و دیگر از مقتضیات عالم حدوث و قانون کلی الهی و روابط
 عمومیت که باید باشد مثل تغییر و تبدیل حیات و ممات پس ممکن نیست درختی خشک
 نشود و حیات فتهی بمات نگردد و انتهی و بعد در جواب سؤالات حضار بیانات مفصل در
 تقدیس ذات باری از حلول و دخول و دفع توهمات فلاسفه و متراضین نشر نمودند و آن
 محفل و بیانات مبارکه طول کشید تا بانتهی رسید اما شب مجلس غریبی بود زیر محفل عقد
 دو نفر از احباب مستر او برسوس ربات بود و غیر از اجاب مستد یانی مسیحی از مردوزن هم
 حاضر و مشرف و رئیس مخلصی نیز موجود و امر مبارک صادر که حسب قانون سیحیان
 کشیش مذکور در مجلس عقد نماید چون خطبه و عقد کشیش ختم شد و بعد مبارک خود قائم و
 مناجاتی در باره ازدواج آن دو نفر مؤمن مخلص فرموده برخاستند بعد همه تبرک گفتند
 و از وضع مجلس بیان تحسین نمودند روز ۳ شعبان (۱۶ جولای) صبح می فرمودند
 دیشب وضع مجلس خیلی موافق حکمت و مورث محبت بود که عقد و ازدواج اهل بهادر مجلس
 بقانون مسیحی هم جاری شود تا نفوس بدانند که اهل بهادر بند این رسومات جزئی
 نیستند و رعایت هر قوم و ملی را دارند از هر تعصبی دورند و با جمیع ادیان در نهایت
 صلح و سرور (بعد نشر نمودند) در مجامع گفتگوهای من همه منی بر اساس و موضوعی است
 که هم موافق حقیقت و هم در نهایت حکمت است مثلاً می گویم اصول حقایق ادیان الهیه کلی است
 جمیع نسبتاً مطالع حقیقت بسته کسی نمی تواند بگوید اساس انبیا و حقیقت تعالیم آنها مختلف

بوده پس گفته میشود که از خصائص تعالیم بهاء الله صلح اکبر است وحدت عالم انسانی است
 منع لعن و طعن است معاشرت با او ایستادگی وحدت وطن و وحدت جنس و سیاست
 و امثال ذلک است آیا هیچیک از اینها در کتب و ادیان سابقه بوده و در آخر میان
 می شود که شریع و ادیان الهیه منقسم بدو قسم بوده قسمی صرف روحانیت است که این اصول
 و احکام روحانیه در جمیع شریع الهیه یکی بوده قسم دیگر فروعات احکام است که مقتضای
 هر عصری تبدیل شده مثل اینکه در تور است که اگر کسی دندان کسی را بشکند دندان او را بشکند
 اگر چشم کسی را کور نماید چشم او را کور کنند برای یک دالر دست بریده شود حال آیا اینها
 جائز است و عمل با اینها در عصر ممکن؛ البته هیچکس نمیتواند بگوید جائز است در این صورت
 جمیع مسائل مهمه ابلاغ شده و احدی هم انکار و اعتراض ننموده " روز عرشیان
 (۱۸ جولای) بیانات مبارک از بلایای جمال قدم و گرفتاری شدید و غلبه امر الله مع
 سطوت اعدا بود و چون اشاره بجزکت از نیویورک بهت بدین فرمودند حال انقلاب
 و انجذاب غریبی در اجباب قدیم و جدید مشهود شد بعد فرمودند که ضعف مزاج و
 کثرت اشتغال مانع است و الا ممکن بود نفوس خارق العاده در میان این اجبا مبعوث
 شوند و تا آن گونه نفوس مبعوث نشوند مقصود اصلی حاصل نمی شود حال قدری بجان و استعداد
 در ایشان پیدا شده ولی آن نفوس مبعوثه اشخاص دیگرند و بعد ذکر ملا حسن و ملا عبد اللطیف
 فرمودند که درمازندران از قبیل مجتهدانجا بعضو رجال مبارک مشرف شدند و کسینونت آنها
 بقسمی مبعوث و خلق جدید شد که شب و روز آتی آرام نبستند تا آنکه ملا عبد اللطیف بعد از

صدقات و بیایات و مشهد فدا جان بداد و بملکوت ابی شافت و همچنین شیخی بندی امی بود
 که بعد از نور بلقا در مازندران شب تا صبح برقص و نوا مشغول اینگونه باید نفوس در امر
 سعوت شوند اینگونه نفوس قابل میدان خدمت و جانفشانی هستند اما شب نطق
 مبارک در الفت و استیام اجبا و ترکیب تشبیه عناصر و حیات و ممات اشیا بود
 روزه شعبان (۱۹ جولای عریضه) بارمس پارنر از دبلین نیوهمپشایر بحضور
 انور عرض استعدای شریف فرمائی مبارک بدلین بجهت تشرف طالبان و تبدیل آب هوا
 نموده بود و مکیل اطهر با وجود ضعف مزاج تا عصر بنوارشس اصحاب و صد و خطاب مشغول
 و چون شب جمع عمومی منعقد از شهید ابیانائی منسرموده آنوقت ابن حضرت رقا شهید
 جناب میرزا ولی اللہ خان را بحضور مبارک طلبیدند و اطهار عنایات منسرمودند و شرح
 از شهادت حضرت و رقا، و حضرت روح الله در نهایت تاثیر و تاثر از زبان مبارک
 صادر و سنتهای و فائزیت بان بندگان صادق جمال ابی ظاہر بعد منسرمودند شب آخر
 است و من شامارا بالفت و یگانگی و صیت ینمایم چون نطق مبارک با نتهی رسید حالت
 شور و شوقی دیگر بجهت دوستان و مشتاقان دست داد روزه شعبان
 (۲۰ جولای) طلعت عہد یزدانی را جناب جنرال قونسول عثمانی وعده خواہی نموده بود لهذا
 بعد از تشرف جناب و اطہار سرت از انجذاب اتحاد دوستان حرکت منسرمودند
 چون قدری از اٹلانٹیک راطی منسرمودند از کشتی سوار ترن شدند تا بمنزل جنرال قونسول
 نزول اجلال منسرمودند پس از ورود مبارک معلوم شد کہ حضرت قونسول از راه دیگر

باستقبال قدم اظهر رفته حرم محترمه و کسان ایشان بنهایت ادب و خدمتگاری مشغول
 تا خود قونسول مراجعت نمود و جمعی از بزرگان و اعیان و محترمین با جنرال قونسول ایران نیز
 حاضر و مشرف اول چون برای رفع خستگی در اوطاقتی تنهاتشرف برودند قونسول ایران
 شرحی مفصل از اوصاف و محامد مبارک برای آن جمع بیان نمود آنگاه سر نیز تشرف آوردند
 و نطق مبارک بنا سبب در حضرت مشروبات و سكرات و شرحی از مسائل فلسفه و جواب
 حرم حضرت قونسول درباره اعمال سنی و نتایج سود اخلاق بود و بسیار سرت و نیت
 ایشان گردید بشانیکه بنگام حرکت خانم شارالیهاد دستهای مبارک را بوسید و بعد
 یکت یکت عذرخواهی از قصور در خدمات کردند و برادرین جنرال قونسول پس از اجازه
 عکس مبارک را تنها برداشته مرکب مبارک حرکت نمود و با منع طلعت مشهود باز حضرت
 قونسول تا ایستگاه خط آهن در رکاب مبارک بشایعت آمد و بی نهایت اظهار خلوص
 و عبودیت می نمود انشب در مجلس ارمانه نطقی بسیار بهین و مینج در کمالات عالم انسانی
 و شہامت و شجاعت روحانی فرمودند ولی چون خندام حضور دیر رسیدند آن نطق
 مبارک تحریر شد روز ۷ شعبان (۲۱ جولای) از دوستان محترم پاریس
 در نفوس مشرف شدند و در مجمع تبار از جمله بیانات مبارک در خصوص امور و اعمال نافعه بعالم
 انسانی بود که بر امر عمومی اهمیت و بر امر خصوصی بشری و اینکه آفتاب حقیقت همیشه از شرق
 طلوع شده و لکن سطوعش در مغرب بیشتر بوده "بستر کاف من عرض نمود که در خصوص سفر مبارک
 جرائدی قبل از مشرف خواندم از همان وقت دانستم که همچنانکه وجود اظهر در شرق سبب

ترقی و تربیت است در غرب ہم چنین است بعد سوال نمود که آیا عزت قدیمه شرق باز عودت خواهد کرد؟ فرمودند بہتر از پیشتر خواهد شد پس شرحی از عزت و حیات ابدی فرمودند کہ چه قدر بزرگان در دنیا آمدند چه قدر صاحبان ثروت بودند چه ملوکی بر سریر جلال و شمت جلو سس نمودند چه صاحبان حسن و جمالی در بزم عالم جلوہ گر شدند آخر چه شد عزت و حیات و سترت و نشاط جمیع فانی گشت لکن حسن یوسفی ہنوز آوازہ اش جاگیر است و عزت حواریان ہنوز باقی و زحمتشان سبب حیات بادست انہی اما شب جمعی از جای شرق و غرب سر میزد حضور مبارک بصرف شام مغرب و مس تر و با بعضی از دوستان محترم غریب رجا نمودند کہ سر میز ہستادہ خدمت نمایند و رجای ایشان بطراز قبول فائز شد

روزہ شعبان (۲۳ جولای) صبح در محفل دوستان کی سوال از عمر طولانی در ایام

قدیم نمودند بعضی معتقدند کہ حرکت ثالث کرہ ارض سبب طول و قصر عمر است کہ این حرکت غیر از حرکت شبانہ روز و حرکت سنویت و سبب تغیر حال و کیفیت کرہ ارض ولی آنچه در خصوص عمرهای طولانی در بعض کتب و حکایات با اصطلاح و قواعد دیگر بویہ مثل اینکہ طول سلسلہ و عائکہ شے را باسم شخص و حد می نوشتند ولی بعد دم دوام عائکہ شے را طول عمر شخصی میفہمیدند از روز موکب اقدس در شرف حرکت از نیویورک بہت بستن و دبین بود ولی بچیت شرف برادر حضرت خدیو مصر امیر جلیل پرنس محمد علی پاشا در حرکت مسافرت مبارک تاخیر واقع دو مرتبہ دید و باز دید فرمودند در ہر مرتبہ شے آن شخص جلیل با قلب غیر نہایت محبت و انجذاب حاصل نمود

چنانچه بعد از مراجعت بمصر امیر مذکور در سفر نامه خود که آنرا بطبع رسانیده و احوال و زنجیر
 بلاد مصر و غیره با موجود است حکایت شریف خویش را بحضور مبارک چنین مینویسد
 (در صفحه ۱۴۱) فی صبح یوم الاثنین ۲۲ یولیه... اخبرت ان فضیلة العالم اشرقی بحلیل
 عباس افندی زعیم البهاثین یرید مقابلتی فضربت له موعدا فی الساعة الثالثة بعد ظهر
 هذا الیوم... حضر بعد ذلك عباس افندی فعابلته مرحبا بمعطاله ولم تؤثر شیخوخته
 ذکائه لمفرط فانه مکث معی نحو ساعة من الزمن وهو یحدثنی فی موضوعات شتی مفیده جدا
 ولت علی سعة اطلاعه وکثرة خستباره فهو اذ ارجل المسلم عظیم من عطاء اشرق...
 وینا بعد ذلك لرد الزیارة لعباس افندی فوجدنا منزله صغیرا وکنه جامع لكل سباب
 الراحة والنظام وقد کانت حاشیه مؤلفه من عشرة اشخاص وعلی رؤسهم تعلق المقارسی
 فرفت من هذا الترتیب ان هذا الشیخ المحترم وقف علی موضع ضعف الامر کتین فاستعجب
 معه هذا الحد کبیر لیلیقت نظار هم الیه ولم ارد بذلك ان احط قدرا لرجل فان صنعه
 هذا یدل علی ذکائه ومعرفته الطریق الذی بها یؤثر فی نفوس القوم فیتقاد بهم لیس اما
 خطاباته اکثره لمؤثره فانها اخذت دورا عظیما فی امریکایا وقد کانت اذ ذاک حدیث بحر انه
 یشر ونها ویعلقون علیها اراء وعلما بهم الیه ینسین و باجملة قد توصل باقتداره الی بلوغ الدرجه
 التی یحسد علیها الحاسدون فقد مکثت مع زسنا احادته و یحادثنی فی طریخی بلذیکلامه ثم
 انصرفت من عنده وانا اخطله فی قلبی بمودة والاحترام انهی از سخاری و عبارات انگونه
 نفوس حلیله بل بصیرت میا بند که با وجودیکه بهائے نبوده اند باجلالت قدر چگونه در

در سئله بقای روح فرمودند چون مجلس ختم شد جمعیت تا پائین عمارت دیده دست بست
 مبارک می دادند و اظهار شرف و انجذاب می نمودند علی الخصوص بعضی نفوس که از شدت
 شرف حال پرواز داشتند روز ۱۱ شعبان (۲۵ جولای) چون عزم حرکت بدین
 فرمودند جمیع جناب مستدیهادر هتل شرف و نطق مبارک در شوق و تعلیم اخذ تاج
 حسنه از حیات انسانی بود و غلبه بر شئون نفسانی و نظر بر جای مسترکنی و عده سفر
 مختصری بگرین عکا فرمودند و چون بیرون تشریف بردند و نفر از مستدیهای
 عرب خود را بر قدم مبارک انداخته زار زار گریه می نمودند و یار رسول شرمی گفتند
 آنهارا بدست مبارک بلند نموده فرمودند من بعد لیهما هتم عصر ساعت چهار بود
 که از بستن حرکت فرمودند و اول شب ساعت هفت باغ و بستانهای دلمین بزول
 قدم مبارک غبطه فرودس برین شد و موطنی اقسام یارنا زمین گشت در یکی از
 دو خانه کس پارسی که تهیه هماننداری دیده و از هر قبیل اسباب آسایش فراهم کرده بود
 نزول جلال فرمودند ولی پس از ورود فرمودند باید مصارف ما با خودمان
 باشد بعد عرض شد مس پارسی میباش نیست که تا چند روز با حدی اطلاع داده نشود
 بلکه وجود اظهر قدری در اینجا راحت شوند فرمودند ما برای کار و خدمت آیدیم نه
 برای هواخوری باید عبودیت آستان جمال مبارک پرداخت و چنین بندگی رسیب
 راحت و مسترت جان و دل ساخت نهایت چون اینجا میلاق است و نفوس خیلی
 محترم موجود لذا تا خود طالب نشوند ابدًا اجباب بنفسی اظهار نمایند و باید با کمال

ساعت انور منقلب و منجذب شدند چنانکه لسان قلمشان بنگاه منظر و عظمت نشان
و تاثیر بیانات و نفوذ خطابات و حد حاسدین و جلال و استقلال طلعت مبین
در ترویج تعالیم الهیه شهادت داد و طبع و نشر نموده اند روز ۹ شعبان (۲۳)
جولای صبح ساعت هشت مرکب مبارک از نیویورک بسمت بستن و بدین حرکت
نمود و ساعت سه و نیم عصر جمعی از دوستان در ایستگاه خط آهن پروانه وار حول
طلعت انور در حرکت پر واز بودند و چون ارادۀ مبارک پیش از دو شب اقامت بستن
نبود و لکن از یک مترجم و یک کاتب سائر تلمذین رکاب را امر نشر نمودند که
یکسری بدین بروند و خود شریف فرمای هتل و کتوریا گشتند و مجمع عمومی شب ساعت
شش دو هتل بود که جمعی از احباب و اغیار و چند نفر روزنامه نویس بساعت نور شرف
از مقصد مبارک در سفر با امریکا سوال نمودند نشر نمودند برای مجامع صلح آدم فی تحقیق
مجامع امریکا خوبست ولی باید محض قول نباشد امید چنانست تا بیدای یابند
که این مملکت مرکز اجراء مسائل صلح شود و اما خطابه مبارک در مسائل اقتصادی بود
و شب منزل منس برید موعود بودند چون از هتل حرکت نشر نمودند جمعیت از دو
طرف صف بسته و جود مبارک از آن میان عبور نمودند و نطق مبارک آن شب از
صدقات و بیانات نظایر الهیه و تالیف قلوب و غلبه امر بدیع بود پس از صرف
شام مصافت بعیده طی نموده با حال خستگی به هتل مراجعت نشر نمودند
روز ۱۰ شعبان (۲۴ جولای) صبح ساعت هشت تا ظهر متصل بار و اغیار در محضر

مشرف و لسان مبارک ناطق و بعضی حسب ائمه بساحت از تقدیم شد که صورت مجلس
 یوم قبل و سؤال و جواب و نطق مبارک درج و نشر شده بود چون قریب بنظر شد
 نطقی عمومی فرمودند در خصوص عمل بو طائف هسانیه که سبب ظهور جمال و کمال عالم
 وجود است عصر یکیل اقدس بجمع حلقات ذمبیه موعود بودند سؤال از لسان عربی
 نمودند که آیا ممکن است زبان عمومی شود نشر نمودند خیر در خصوص زبان اسپرانتو
 پرسیدند فرمودند چند هفته پیش نامه ای از نیویورک یکی از رؤسای اسپرانتو
 نوشتم که اگر جمعی از وکلای اجناس سن لوک فراهم کنند و این لسان را در تحت مذاکره
 و ترویج گذارند از وقت عمومیت پیدا می کند بعد در مجمع خطاب مبارکه در خصوص ارتباط
 بین بشر از احم شرق و غرب بود علاوه از شور و انجذاب عموم وقت حرکت مبارک
 رئیس و اعضاء انجمن نوعی منقلب که نهایت انجذاب و ممنونیت را در محضر انوار اظهار
 نمودند و در حضور مبارک خاضع و ساجد بودند و بعضی از آنها یک ساعت و نیم در او میل
 از بیانات مبارکه مستفیض و مرکب مبارک از راه باغبان و صحراهای سبز و حرم
 که از بهمت منظر نشین و فضائی نازنین و جلوه عجب بهشت آئین داشت سیر و گردش
 کرده چون به قول مراجعت نمودند جمعی در اینجا حاضر و منتظر شرف بودند پس از نوازش
 امنای انجمن و عنایت بان جمع مشغول گفتگوی مفصل و اظهار عنایات گشتند تا عصر
 که رئیس تیا سفیهای بستن شرفیاب شده در جای شریف فرامی با انجمن تیا سفی نمود
 آتش با وجود خستگی چون آن انجمن نزدیک بود تو را شریف بروند و خطاب نطقی مشروح

عز و وقار با آنها سلوک کنند (بعد فرمودند) ما کجا و دین امریکا کجا باید بشکرانه
 نصرت و حمایت جمال ابی برخواست بلکه تو انیم نفسی در عبودیت براریم انہی پس شرعی
 از حاجی ابوقاسم میل فرودش و تعمیر قبر ایشان فرمودند کہ "او کی از زندگان جمال مبارک
 بود من اول در سفر مصر بکرمیر قبر او اقدام" و همچنین ذکر حسن نیت و صداقت جناب
 آقا محمد تقی صفہانی ساکن مصر فرمودند و شب با کمال صحت و سرور شام میل فرموده
 استراحت نمودند روز ۲ شعبان (۲ جولای) علی الصبح ہنگام صرف چای
 ذکر توفیق حضرت علی بن ناصر الدین شاہ در ایام ولیعهدی او و جواب علمای مصر فرمودند کہ
 بالوح سلطان اثر قلم علی مقابل شود تا بی انصافی بجا بیہ معلوم گردد عصر ذکر خیر حضرت
 افغان حاجی وکیل الدولہ میفرمودند و عنایاتی در بارہ بعضی از اجنبای امریکامی فرمودند منجملہ
 نسبت بمس کروک می فرمودند "این را ہم در حاشیہ کتاب بنویسید کہ وقتی خواہد آمد
 کہ آن خانوادہ با سہ مس کروک و ایمانش فخر نمایند حالاً شوہرش قدری دور
 و غافل است وقتی میاید کہ با بیان مس کروک منفر گردد اتی آری مالاترون زود است
 کہ جمیع انخانندان ایمان آن زن را تاج رئیس قمار نمایند" و شب بنا بہ حکایت ایام
 جمال مبارک عنایاتی در بارہ حضرت شیخ سلمان و تحسین صداقت و استقامت آن پیک
 رحمن می فرمودند و شریفی ایام حیات آن متصاعد بلکوت سبحان از فہم اظہر صادر
 و آن یوم مبارک نیز در نہایت سرور و جوہر گذشت روز ۳ شعبان
 (۲ جولای) صبح از اوطاق مبارک بسطح پیش بام شریف آوردہ در حالتیکہ از طرفی

چهل میل و از سمتی تا شانزده میل باغ و صحرا و تل و کوه بهای سبز و قرم در زیر نظر مبارک بود میفرمودند
 اگر نجات باشد ثابت میشود که برای اجبای الهی من چه کرده ام و همه اینها بون و عنایت
 جمال مبارک بوده و الا ما اشخاص ایرانی با امانی امریکا در ولایت بلای تل و کوه بظاہر چه
 مناسبتی داریم الی آخر بیانہ الاصلی بعد کسی که یکی از آلمانی با بسم جناب طاہرہ طبع نموده بود
 بحضور مبارک تقدیم شد فرمودند ابدًا اصل ندارد و باین مناسبت شرحی از ایام حیات
 حضرت طاہرہ فرمودند تا ناراد منزل دیگر مسس پارسر برب رجای ایشان میل فرمود
 و بعد از ظهر جمعی از دوستانشان بحضور انور شرف و از صفای خطاب بی نهایت منجذب
 گشتند از آن روز بنامی آمد و شد و اطلاع و انجذاب نفوس شد و عصر متر پارسر کا سک
 حاضر نموده رجای گردش سواره کرد لهذا تا دریاچه ولین شریف بردند و در کنار آن
 دریاچه با اهل کلوب بیان مبارک در خصوص ظهور و حانیت و ترقی این عصر مجید بود بعد از
 مراجعت بشارت تلگرافی بمجامع شرق حب الامر نوشته و فرستاده شد شب
 مترمان که از رؤسای تیا سفیها بود از بستن بحضور مبارک متشرف گشت و بیانات
 مبارک از مدیت الہیہ و نفوذ کلمتہ اللہ در این ظهور عظیم ابھی بود و اینکہ از شہدای
 این امر یکی در وقت شہادت گفت کہ حضرت مسیح فرمود کہ جسدا از شہادت خائف
 است اما روح مسرور ولی حال من می گویم کہ جسم و روح ہر دو مسرور است و دیگر
 آن شب بیاناتی در خصوص سرایت مدیت از شرق بغرب می فرمود و اینکہ خدا چه
 نعمتی بایرانیان عنایت فرمود و لکن قدرند استند اگر کفران نموده بودند دولت

ایران اول دولت میشد من محمد علی میرزا نوشتم که اگر قصاص خون اجبا کنند
و بعد حکم نماید تا یید میرسد و الا یفعل الله ما یشاء و فی نشید باز با ایران نوشتم
که تا دولت و ملت مانند شهید و شیر آینه نگردد و نجات و فلاح محال است ایران و ایران
شود و عاقبت امر منجر به اخل دول متجاوره گردد انهی روز سه شنبان
(۲۸ جولای) پس از سجود و قنوت بدرگاه رب ملکوت بصد و خطابات و نزول
عنایات پرده خستند از جمله نوحی مفصل بافتخار حضرت میرزا ابوالفضل روحی له العناء بود
و عنایات مبارک که درباره حضرتشان بدرجه شئی که روزی مسترکانات عکس ایشان را
بجنور اطهر تقدیم نمود فوراً گرفته بوسیدند بشفتت و وفا و عنایتی که کل شک برود
بعد وجود مبارک در ایوان عمارت عباس و خطاب مبارک بستر بار من در تقدیس
ذات باری از نزول و حلول و ظهور انوار صفاتش در مراایا و قلوب نظام مقدسه
مفصل بود و همچنین بیاناتی در معانی کتب مقدسه و معنی کل شیئی فی کل شیئی یعنی انتقال
ذره شئی از کائنات در صورت نامیه کائنات نشه بودند که هر جزه لای تجزی انتقال
بجمع صور کائنات می کنند و هر شیئی در کل شیئی سیرینماید (و همچنین می فرمودند)
تیا سیفها طفلی را در مدارس او پارتیبت می کنند تا او موعود کل ملل شود چه قدر
بی فکری است موعود را خدا باید انتخاب کنند نه خلق چراغی را که خلق روشن کنند
خاموش شود اما سراج الهی همیشه روشن است مر بای خلق همیشه محتاج خلق است
چگونه عنای ابدی نباشد مثل این است که کسی از روغن و فتیله نخواهد شمس بسازد

(شخصی از وضع عثمانی پرسید فرمودند) منتظر و توقعات خوش از آن شکر نباشید ولی
 ما را با مورسیاسی کاری نه کار ما روحانیت و معرفت الله است کتاب فیوضات معنویست
 انہی و عصر در منزل سس پارتیز جمعیتی از نفوس محترمه برای تشرف حاضر نطق مبارک
 و سوال و جواب در خصوص مکالمه بزبان قلب و بقای روح و مسائل اخری بود و آن
 نفوس چنان منجذب که در هر مجلسی حاضر و تشرف حاصل می نمودند و هر روز بعد از
 مجلس مستر و سس پارتیز کالسه مخصوص حاضر نموده ر جای گردش و سیری سواره می نمودند
 این روز نیز بودند میل گردش پیاده دارم لہذا بعضی از خدام حضور را سواره گردش
 فرستادند آن شب در راحت انور مستر با من کتاب خود را که در تیسالی مسائل
 بدیست نوشته بود آورده از مطالب و نقوش آن عرض میرسانید که
 حقیقت را دائره و مہر در مرکز و عالم وجود را ہفت زاویہ و مثال ذلک
 نقشہای مختلف کشیده بود و وجود انور در نہایت شفقت با او گفتگو و در ضمن دفع
 توہمات و را با اصطلاحات عرفا و فلاسفہ چنان می فرمودند کہ شخص مذکور خود
 مہوت میشد حتی مراتب سہم را چنان تعبیر و تبیین فرمودند کہ او عرض
 کرد از بیانات مبارک کہ ابواب جدیدی بروجہ من مفتوح شد فرمودند
 منہ هیچ تحصیل نکرده ام حتی بکتب صبیان زرفتم ام و این حضرات میداندند
 عرض کرد من حساس میکنم کہ آنچه می فرماید از علم الہی است روزہ ۱۵
 شعبان (۲۹ جولای) صبح در حالتیکہ بر فرش جالس پس از او را دو مناجات



Abdul Baha walking in front of the home of Mrs. Parsons
in Dublin, (America.)

